

# 1. Hussain Quli Mastan as a Short Story Writer

---

**Nazia Jafri**

*Research Scholar*

Department of Persian

University of Lucknow, India

ORCID iD: <http://orcid.org/0000-0003-0707-0020>

URL : <http://lkouniv.ac.in/>

E-Mail: [nazjafri91@yahoo.com](mailto:nazjafri91@yahoo.com)

## Abstract:

*Hussain Quli Mastan had various personalities. He was a journalist, translator, lyricist, poet, playwright, novelist, as well as columnist footer, and without a doubt he was the first Iranian photo-journalist. In this paper, hidden corners and unfamiliar life and priceless works of Hussain Quli Mastan has been introduced. Hopefully this article establishes Hussain Quli Mastan in Persian literature and his valuable work.*

## Keywords:

*Husain Quli Mastan, Short Stories, Persian Literature, socio & political Aspects, Biography.*

---

**Vol. 5 No. 1 (2017)**

**Issue- March**

**ISSN 2347-6869 (E) & ISSN 2347-2146 (P)**

Hussain Quli Mastan as a Short Story Writer by Nazia Jafri Page No. 1-13

DOI: 10.5958/2347-6869.2017.00001.2



IndianJournals.com  
A product of Diva Enterprises Pvt. Ltd.

## Hussain Quli Mastan as a short story writer

### حسین قلی مستعان از حیث داستان کوتاه نویس

حسین قلی مستعان، از شخصیت‌های گوناگونی برخوردار شده است- وی بعنوان روزنامه نگار، مترجم، ترانه سرا، شاعر، نمایشنامه نویس، داستان نویس، بدون تردید سلطان نخستین پاروقی نویس (داستان قسط وار نویس) حرفه ای ایرانی و نخستین خبرنگار عکاس ایرانی بشمار می رود که با زبانهای عربی، انگلیسی، المانی، رومی، چینی، اسپانیایی، ترکی و فرانسه آشنای داشت- وی در سال ۱۲۸۳ □ خورشیدی، در تهران متولد شد نام مادر وی “قمرالحاجیه” و اسم پدرش “غلام حسین مستعان” بود- مستعان به ویژه در زمینه داستان کوتاه نویسی مهارت و شهرت شایانی دارد و به همین دلیل بیشتر از حیث داستان کوتاه نویس شناخته می شود- مستعان در مورد آغاز داستان نویسی می گوید ملاحظه شود: “من همواره عاشق قصه نویسی بودم و روزنامه نگاری تنها وسیله ای بود برای امرار معاش- از چهار سالگی پای قصه های مادر بزرگ می نشستم و در شش سالگی، خودم یک قصه گو بودم با طرفداران بسیار میان بچه های محله- نخستین قصه ام را در ۱۲ سالگی براساس یک حادثه واقعی نوشتم-” (۱)

مستعان در سال ۱۳۰۴ داستان کوتاه نویسی را شروع کرد- داستانهای کوتاه وی در روزنامه ها و مجلات گوناگون بطور قسط وار بنام های مستعار وی چاپ می شدند- این طور به عنوان “پاورقی نویس” خیلی معروف شد و در سن بیست و پنج سالگی شهرت و مقبولیت جهانی به دامن خود اخذ کرد- وی در آن زمان در بیست و پنج ماه، بیست و پنج کتاب می نوشت- علاوه بر این کتابهای دیگر هم وجود دارد که اغلب، در یک روزوگاهی یک شب نوشت- (۲)

داستان کوتاه وی معمولاً از صفحه صد و بیست تا صد و شصت به قطع کوچک که بعداً با اسم “کتابهای جیبی” معروف شدند، دارا هستند و اسم های قشنگی و جالبی دارند چون نوری، ازیتا، شیده، لذت، مهربانی، گلی، نرگس، غزال، ناز، شیرین، نوشین، شهرزاد، عروس، و جزان-

داستانهای وی نه تنها در مجلات به دلیل تیر اژانها از خوانندگان بسیار برخوردار بود، بلکه در قالب کتاب نیز از تیراژی قابل توجه برخوردار شده بود- و قتیکه مطالب و داستانهای نویسندگان دیگر بامشکلی ده- دوازده هزار نسخه چاپ می شدند و خوانندگان همه نسخه را تمام می کردند، همان زمان کتابهای مستعان نزدیک به “پنجاه هزار” جلد چاپ می شدند و به فروش می رفت و اغلب داستانهای وی بارها تجدید چاپ می شدند-

مستعان تدریجاً در ذهن و دل مخاطبان نقش مهمی گذاشت و انقدر جذابیت داشت که بدون مطالعه داستانهایش بی قرار و مضطرب می ماندند مثلاً:

“اوچنان خوانندگان اثرش را متعاد نوشته های خود کرده بود که گاهی متوجه اشتباهاتش نمی شدند، به طوری که وقتی به طور همزمان برای سه مجله، و در هر مجله ای دوسه قصه دنباله دار بااسامی مستعار می نوشت، اشتباها داستانهای فی المثل “تهران مصور” را برای “امید ایران” فرستاد و جالب این که خوانندگان هر دو مجله، یا متوجه نشدند یا به روی خود نیاوردند-” (۳)

مستعان در آن زمان تنها نویسنده ای بود که شهرتی همپایه ستارگان سینما و خوانندههای معروف داشت- در آن زمان افراد اجتماع که باسواد بودند حتماً داستانهای مستعان را می خواندند و در مورد آن بحث و بررسی می کردند- در مورد این نظر آقای علی رضا ملایی قابل توجه است ملاحظه شود:

“همین که ماه نوفرانی رسید، درهمه شهرهای بزرگ و کوچک سرزمین پهناورما، زنها، مردها، جوانها، پیرها، دانش آموزها، فارغ التحصیل ها، باسوادها، کم سوادها، به طور خلاصه همه مردم- بجز بی سوادها که کتاب نمی خوانند و روشن فکرها که عده آنها در آن روزگار بسیار کم بود و کتابهای دیگری می خواندند- چشم به راه بودند پست برسد و کتابهای مستعان که بانام مستعار ح- م- حمید منتشر می شد،

در پشت شیشه کتابفروشی ها ظاهر شود و آنها این کتابها را بخرند، باعجله خود را به خانه برسانند، شروع به خواندن کنند- قلب حساسشان فشرده شود و اشک از چشمهایشان روان گردد-” (۴)

شهرت مستعان آنقدر بود که حضور در همه محفلهای مثل یک هنرپیشه توجه همه را به خود جلب می کرد- اگر کسی او را در کوچه و بازار یا خیابان می دید، در مورد سرانجام داستانهایش و داستانهای آینده اش- سوال می کرد-

راجع به شهرت و محبوبیت مستعان و داستانهایش طبق دکتر علی بهزادی، مدیر مجله “سپید و سیاه” نیز حالب توجه است که بزیر نقل می شود:

“روزی مستعان برای تماشای فیلمی به سینما رفته بود در آنجا مشاهده کرد و خانم جوان او را به هم نشان می دهند و درباره اش صحبت می کنند- وقتی فیلم تمام شد، آن دو به طرف مستعان رفتند و خودشان را معرفی کردند:

ماشهدخت شمس پهلوی و مهدخت اشرف پهلوی هستیم- شما آقای مستعان هستید- این طور نیست؟ خیلی خوشوقتیم باشما از نزدیک آشنا شدیم- آیا ممکن است بگوئید کتاب آینده شما چه نام دارد و موضوعش چیست؟ مستعان، که بامشاهده ماموران محافظ آنها را شناخته بود، جواب داد: اگر موضوعش را بگویم لطفش از بین می رود درباره نامش هم هنوز تصمیم نگرفته ام- اگرچه چند روز صبر کنید آن را هم خواهید دانست-” (۵)

شهرت وی آنقدر بود که برای داستانهای خود اسم های که انتخاب می کرد، خیلی معروف می شدند و به خوانندگان خیلی تاثیر می گذاشتند که بیشتر مردم برای نوزادشان انتخاب می کردند مثلاً ناز، آزیتا، آفرین، شیده، شیرین و غیره.

نثر مستعان آنقدر زیبا، روان، شیرین و دلنشین بود که مخالفین نیز نمی توانستند منکر آن شوند- پاورقی و مطالب وی بر مخاطبان خیلی تاثیر می گذاشت و او بتوسط این از عیب ها و نقائص روزگار اجتماع را آگاه می ساخت و همیشه تلاش وسیعی وی این بود که بتوسط داستانهای خود عموم را اصلاح

کند و هر داستان رابه یک نتیجه اخلاقی به پایان برساند- بیشتر داستانهای وی مبنی بر موضوع واقعات عشقی و احساساتی هستند و نثر وی خیال انگیز و عبرت انگیز است- به علت این بسیاری از نویسندگان آرزو داشتند که سبک و روش مستعان را دنبال کنند و مثل وی داستانهای قشنگی و پرمعنی بنویسند و شهرت کسب کنند امام هیچ کس در آن زمان نتوانست به پای وی رسید-

آقای دکتر محمود عنایت که یکی از دانشمندان ایران است در مورد آن چنین اظهار نظر می نماید:  
 “مستعان بخوبی آگاه از ذوق عامه مردم است، ولی آنها را بحریم نوشته های خود راه نمی دهد---نثر مستعان از شیرین ترین و محکم ترین نثرهای فارسی است-” (۶)

چون داستانهای مستعان دنباله دار در مجلات و روزنامه ها چاپ می شدند، همیشه در بالای خلاصه داستان سابق با تاریخ چاپ می کردند تا خوانندگان که تازه به آن داستانها پیوسته اند- بتوانند از آن پس همراه داستان باشند اگرچه مستعان از نظر خود تلاش بسیار داشت تا پیام اخلاقی در داستان های خود بگنجانند اما اغلب داستانهای وی تمایلات جنسی مردم را تحریک می کرد تا تعداد فروش مجلاتی و روزنامه ها که این داستانها در آن چاپ می شدند، بالا رود-

مستعان تا ۵۷ سال برای اصلاح عموم قلم راند اما در زندگی خود چندین بار از نشیب و فراز هم روبرو شد مثلاً در سال ۱۳۲۰ هـ و قتیکه هجوم روس و انگلیسی به ایران، حال و هوای سیاسی ایران را عوض کرد- مردم نیز بجای داستانهای عشقی پرسوز و گداز به کتابهای سیاسی و اجتماعی و فلسفی، و به وقایع و خبرهای داغ جنگ جهانی دوم توجه پیدا کردند- آن موقع برای چند مدت کوتاهی مستعان به نشیب آمده بود ولی بزودی جای خود را باز گرفت و دوباره داستانهای قشنگی وی رونق یافتند اما در زمان پیری باز نشستگی اختیار کرد-

به طبق آقای حمید رضا امیدی سرور:

“حسین قلی مستعان بیش از سه دهه نویسنده ای مشهور و پرکار بود که آثارش طالبان بسیاری داشت و دست آخر اینکه مستعان برخلاف بسیاری از نویسندگان که در مقاطع کوتاه به کار پرداخته و پس

از آن دست از نوشتن کشیده یابه حاشیه رانده می شدند- مدت زمانی بسیار طولانی به طور حرفه ای به کار نویسندگی ونهایتاً در زمان پیری بود که به تدریج، باز نشستگی اختیار کرد-” (۷)

داستانهای حسین قلی مستعان رمانتیک وریالیستی هستند وتمام خصوصیات این سبک ادبی را در عناصر خود دارد-

زمان ومکان در داستانهای وی واضح ومشخص هستند- مکان های داستانهای مستعان باجزئیات توصیف شده اند- در صورتی که در داستانهای غیر رئالیسم مکان معمولاً مبهم است- در داستانهای مستعان خط سیرزمان مشخص است گرچه گاهی به گذشته برمی گردد ولی خواننده زمان راگم نمی کند- زمان ومکان در داستانهای وی طوری تعریف وتوصیف شده اند که خواننده باور می کند- چون شخصیتها در آن مکان وزمان واقعی زندگی می کنند-

درداستانهای وی معمولاً مکان وزمان بافضای موجود در داستان تطابق دارد به طور مثال مکان و زمان داستانهای “لذت” و “نوری” بزیر نقل می شود:

“مه فضا را پرکرده بود بطوری که پیش از چند قدم جلوپادیده نمی شد- نسیم سردی از کوه های شمالی می وزید- عابرین باحزن وناخرسندی سردرمیان شانهای خود کشیده بودند وتندتر از معمول می رفتند-” (۸)

“نمی دانم دامنه کوهستان چه کیفیت دارد که خاطرات آن هیچگاه از دل بیرون نمی رود! پس از آنکه آن صحرای روشن وپرسبزه را پیمودم، از قبرستان باصفا وخیال انگیز که در پایان آن بود گذشتم، کوچه باغهای خنک و خوشبورا زمزمه کنان ولب خندزنان از زیرپا گذراندم، از تکیه ده، از مسجد آن، از نخستین خانه های زمستانی آن گذشتم-” (۹)

اغلب پیرنگ وشخصیت های داستان کوتاه وی تابع حوادث داستان است- بعضی جاها پیرنگ برحوادث هیجان انگیز تاکید می شود- یعنی حادثه پشت حادثه اتفاق می افتد وهیجان ایجاد می کند تابتواند خواننده را کنجکاو کند وتاآخر داستان توجه اش را به خود جلب کند-

معمولاً شخصیت‌های اصلی داستان را می‌توان به دو دسته ای خوب و بد تقسیم کرد- شخصیت‌های خوب قهرمان‌های داستان و شخصیت‌های بد ضد قهرمان‌ها هستند- شخصیت‌ها معمولاً هم از نظر ظاهری وهم از نظر باطنی توصیف می‌شوند یعنی بعضی جاها شخصیت داستانها از بین گفتگوها یافت نمی‌شوند مثلاً در داستان عروس:

“لطیفه یک پدر متین، خشک، عاقل، دور اندیش، کم حرف و بی‌خنده و یک مادر مهربان، نازنین، ساده دل، زودباور، راست گو داشت-” (۱۰)

زاویه دید تمام داستان‌های مستعان شخص سوم است- راوی همانند یک گذارشگر حوادث را از بیرون روایت می‌کند-

درون مایه‌ی داستان‌های مستعان اکثراً عاشقانه و گاهی اجتماعی است که در آن یک ماجرای عاشقانه تشریح می‌شود و باکشته شدن و از بین رفتن ستمگر و رسیدن عاشق به معشوق پایان می‌یابد یا پایانی غمگین دارد که بامرگ بی‌گناه به پایان می‌رسد بیشتر شکاف بین طبقات ثروتمند و فقیر و ظالم بودن ثروتمند نیز در داستانها گنجانده شده است-

در داستانهای مستعان لحن یک راوی و گاهی احساساتی است که بر دل و ذهن خوانندگان تاثیری می‌گذارد-

نوع نثر مستعان ژور نالیستی است و به پاورقی روزنامه‌ها نزدیک تر است زیبایی نثر در سادگی و عوام پسندی آن است که حالات و اوضاع واقعی انسانهای آن زمان را بخوبی بیان می‌کند-

اسم داستانهای کوتاه مستعان:

- ۱- افسانه ۱۳۰۶ش
- ۲- داروغه اصفهان یا شعر لوک هملس ۱۳۰۴
- ۳- خونخواه مرو تاریخ معلوم
- ۴- دلی درتندباد هوسی تاریخ معلوم

- ۵- علی بابا ۱۳۰۴
- ۶- نوری-۱۳۱۸
- ۷- ناز ۱۳۱۹
- ۸- زحزا ۱۳۱۹
- ۹- دلارام ۱۳۱۹
- ۱۰- آفرین ۱۳۱۹
- ۱۱- آزیتا ۱۳۱۹
- ۱۲- گل بی خار ۱۳۱۹
- ۱۳- عروس ۱۳۱۹
- ۱۴- شیرین ۱۳۱۹
- ۱۵- شهرزاد ۱۳۱۹
- ۱۶- شوریده ۱۳۱۹
- ۱۷- افسرده دل ۱۳۲۰
- ۱۸- رفزا ۱۳۱۹
- ۱۹- آفرین ۱۳۱۹
- ۲۰- غزال ۱۳۱۹
- ۲۱- بهشت روی زمین ۱۳۲۰
- ۲۲- عشق آزاد ۱۳۲۰
- ۲۳- شیده ۱۳۲۰
- ۲۴- شورانگیز ۱۳۲۰
- ۲۵- پشیمان ۱۳۲۰



- ۲۶- نوش ۱۳۲۱
- ۲۷- مهربانی ۱۳۲۲
- ۲۸- آلامد ۱۳۲۲
- ۲۹- داستانها ۱۳۲۱
- ۳۰- لذت ۱۳۲۲
- ۳۱- گلی ۱۳۲۲
- ۳۲- نرگس ۱۳۲۲
- ۳۳- وسوسه ۱۳۲۴
- ۳۴- بهشت ۱۳۳۵
- ۳۵- هوس ۱۳۳۶
- ۳۶- عشق ۱۳۳۵
- ۳۷- پله اول تاریخ نامعلوم
- ۳۸- شیوا ۱۳۳۶
- ۳۹- دلخسته ۱۳۳۷
- ۴۰- تارشکسته تاریخ نامعلوم
- ۴۱- ارمغان زندگی ۱۳۱۵ (مجموعه داستان کوتاه، مبنی بر ۲۰ داستان کوتاه)
- ۴۲- اندیشه های جوانی ۱۳۱۵ (مجموعه ۸ داستانهای کوتاه)
- \* بازگشت به جوانی
- \* دختر بهشت
- \* دل شکسته
- \* چرخ پاداش

- \* هیچ کس جز تو
- \* پیوند دل
- \* بارخاطر اور
- \* گوهر
- ۴۳- مثل خدا که مال همه است ۱۳۴۹ (مجموعه داستانهای کوتاه است)
- \* سپیده دم
- \* هی هی چوپان
- \* چراغ ظلمت
- \* حساب
- \* پرت شدگان
- \* دامن مراد
- \* پاداش
- ۴۴- استخوان زیر پا ۱۳۲۲ (مجموعه داستانهای کوتاه و حکایات)
- \* پنجه اژدها
- \* این دشمنی پایان ناپذیر
- \* حکایتی ناز عشق ها
- \* استخوان زیر پی
- \* هنوز این رگها خون دارند
- \* آفرین زاغه
- \* اما همه پدرها نخواهند مرد
- \* مگسها ومورچه ها

- \* راهی که کم کم بسته می شود (میشود)  
 \* سلسله شوق  
 \* حمحمه هانیش میزنند  
 \* گردودرخت غمار  
 ۴۵- عذاب ناحق  
 ۴۶- مردومان رامی گویند آدم  
 ۴۷- طغیان در خدمت سعادت  
 ۴۸- تصویر روح او  
 ۴۹- گرگ تشنه  
 ۵۰- درمکافات  
 ۵۱- فتنه ها  
 ۵۲- زاشک پرس حکایت
- منابع

- ۱ آژند، یعقوب، مقاله پایه پای پاورقی نویسان ایران، مستعان حسین قلی (مستعان السلطان بن غلام حسین مستعان هوشی دریان) مجله نشر: ادبیات و زبانها، ادبیات داستانی، س: زمستان ۱۳۷۸، ش: ۵۲، ص ۱۵۶-  
 ۲ ملایی، علی رضا، مقاله حسین قلی مستعان، مردی که زیاد می نوشت ، نشر به اطلاعات (ضمیمه) ش: ۲۵۴۴۵، ص ۱-  
 ۳ فاروقی، فواد، مقاله مرد هزار قصه، مرد هزار کتاب (حسین قلی مستعان) نشریه اندیشه نو، س: ۱۸۵ ۳ ۹، ص ۱-

- ۴ ملایی، علی رضا، مقاله حسین قلی مستعان، مردی که زیاد می نوشت ، نشریه اطلاعات (ضمیمه) ش: ۲۵۴۴۵، ص ۱-۱.
- ۵ اتحاد، هوشنگ، پژوهشگران معاصر ایران، (تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۸)، ر-ک، ج ۶، چ ۱، اول، س: ۱۳۸۲، کتابخانه ملی ایران، ش: ۵۰۵۰-۷۸ م، ص ۶۶۲-.
- ۶ ظفرخان، دکتر محمد، مقاله داستانهای کوتاه مستعان، ماهنامه هلال، کراچی، س: دسامبر ۱۹۸۰، ش: ۱۰۷، ص ۱۸-.
- ۷ امید سرور، حمید رضا، مقاله حسین قلی مستعان و سینما: (بخش نخست) شاخص ترین پاورقی نویس، نشریه بانئ فیلم، ش: ۱۹۰، ص ۱-.
- ۸ مستعان، حسین قلی، (ح-م-حمید)، داستان کوتاه لذت، انتشارات فردوسی، تهران، س: فروردین ماه- ۱۳۲۲، ص ۲-.
- ۹ مستعان، حسین قلی، (ح-م-حمید)، داستان کوتاه نوری، چ: سوم، ناشر کتابفروشی رازی، تهران، س: اسفندماه- ۱۳۱۸، ص ۶-.
- ۱۰ مستعان، حسین قلی، (ح-م-حمید)، داستان کوتاه عروس، نشر کتابفروشی رازی، س: آذرماه- ۱۳۱۹، ص ۴.

### References:

1. Nazia, J. (2017). *A critical analysis of the Novel: Gunah-E-Muqaddas*. S O C R A T E S, 4(4), 1-12. Retrieved from <http://socratesjournal.com/index.php/socrates/article/view/258>
2. Q. Husain, Mastan. (1370). *Gunah-E-Muqaddas*. 1st ed. Javed. Print.
3. Q. Husain, Mastan. (1318). *Dastane Kootah Noori*. 1<sup>st</sup> ed. Print
4. Q. Husain, Mastan. (1322). *Dastane Kootah Noori*. 2<sup>nd</sup> ed. Print
5. Q. Husain, Mastan. (1319). *dastane kootah aroos*. 1<sup>st</sup> ed. Print



This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

**Cite this article:**

Hussain Quli Mastan as a short story writer

**Citation Format: APA**

Nazia, J. (2017). Hussain Quli Mastan as a short story writer. S O C R A T E S, 5(1), 1-13. Retrieved from <http://socratesjournal.com/index.php/socrates/article/view/259>

**For more citation formats, visit:**

<http://socratesjournal.com/index.php/socrates/rt/captureCite/259/0>

**Indexing metadata is available online on:**

<http://socratesjournal.com/index.php/socrates/rt/metadata/259/0>

# Author Self Archiving Policy

<http://www.sherpa.ac.uk/romeo/search.php?issn=2347-2146>

## Summary:

Socrates journal does not allow authors to post items submitted to the journal on personal Not for Profit websites or institutional repositories or on any other website prior to publication and after publication. They can only share web links to their published article after publication. The journal, however, permits "author self-archiving" 24 months after the publication of the article.

**Published Authors can download and print their article in PD Format but cannot share it online on any website.**

## Preprint (Archiving and sharing online not allowed)

A preprint is a version of the article before it has been peer-reviewed for publication. The term may refer either to articles at an early stage of preparation or to articles at the last stage before submission for peer review. In the latter case the article is, of course, well-developed and ready for critical review and, if only minor revisions are needed as a result of peer review, a late-stage preprint may be very little different from the final article.

## Post print/Final post-print (Archiving and sharing online not allowed)

A post-print is the final version of the article that the author sees before it is published. A post-print has been peer reviewed and the changes and revisions required by the reviewers have been incorporated. However, the author's final post print and the published version are effectively the same.

**There would be no responsibility of the Journal Socrates or any member of the Journal on the items submitted/posted by the authors and readers on any personal Not for Profit websites or institutional repositories or website or anywhere on Internet. In the case of Breach from the side of the author, the Journal will remove the shared article from its published issue.**

**DO NOT SHARE THIS RESEARCH PAPER ONLINE  
DO NOT UPLOAD IT ONLINE ON ANY WEBSITE OR PLATFORM**